

کتابهای خارجی

۴۲۴

الکساندر سرگیه‌ویچ پوشکین (۱۷۹۹-۱۸۳۷) نویسنده و بزرگترین شاعر روس است که داستان زندگی کوتاه اما پرماجرایی او بارها نوشته شده است. او در ۱۸۲۰ به جهت اشعار انقلابی به روسیه جنوبی تبعید شد. بعد به سن پترزبورگ بازگشت و با دربار و محافل اشرافی روسیه رفت و آمد یافت. از آثار اوست: داستان روسلان و لودمیللا (۱۸۲۰)، تحت تأثیر شدید ادبیات فرانسه، پاریس گادونوف (۱۸۳۱)، دختر سروان (۱۸۳۷)، دیروفسکی (۱۸۳۵)، و منظومه‌های شورانگیز ماهیگیر و ماهی و موتسارت و سالیری.

اخیراً استاد ایتالیایی خانم سرانا ویتاله شرح خالی جدید از پوشکین نوشته که ترجمه انگلیسی آن از سوی فارار، اشتراوس، و گیرو منتشر شده است. (۳۵۵ ص، ۳۰ دلان). مقاله زیر، خلاصه‌ای است از معرفی این کتاب در نیویورک ریویو آو بوکس (۸ آوریل ۱۹۹۹). A.A.

هرگ و شعر همیشه برای هم نوعی جاذبه داشته‌اند. اودن^۱ شاعران را جمعی می‌دانست که ویا در

۱: Auden ویستن هیو (۱۹۰۷-۱۹۷۳)، شاعر آمریکایی که متولد انگلستان بود. رهبر گروه ادبی چپ‌گرای دانشگاه آکسفرده مسحوب می‌شد، و همراه با ایشروود (کریستوفر، ۱۹۰۴-۱۹۸۶)، نویسنده تأثیرگذار انگلیسی نمایشنامه‌های منظومی نوشت؛ از جمله، سگ در زیر پوست و در جهت جنگ.

جوانی می‌میرند، یا سالهایی دراز در عزلت و تنهایی زندگی می‌کنند.» این تعریف بخصوص نسبت به شاعران و نویسندگان عصر رمانتیسم مصداق دارد. بسیاری از آنها، و برخی از بهترینشان، در جوانی مردند. برخی دیگر، از جمله ووردز وورت^۱ و کولریج^۲، سالهایی دراز زیستند، بی‌آنکه دیگر حتی بتوانند آثاری هم‌تراز نوشته‌های آتشین دوران بی‌خیال جوانیشان پدید آورند.

در نیمه نخستین قرن نوزدهم، روسیه دو تن از بهترین شاعران و نویسندگان را در مسیر این سرنوشت محتوم از دست داد، و این جریان درست در مرحله‌ای از تاریخ ادبی آن کشور اتفاق افتاد که روسیه افراد اندکی هم‌تراز آنان داشت و، به همین سبب، به شدت از آن فاجعه آسیب دید. پوشکین، بزرگترین شاعر روس، و لرمانتوف^۳، نویسنده‌ای که اهمیتی کمتر از او نداشت، هر دو در دوئل کشته شدند. پوشکین، وقتی کشته شد، سی و هفت سال داشت و لرمانتوف، به هنگام مرگ، ده سال از او جوانتر بود. تردیدی نیست که همه دوئل‌ها سخت و ابلهانه بودند، و این واقعیتی بود که تزار نیکولای اول نیز متوجه آن شد و برای دوئل‌کنندگان مجازاتهای سخت مقرر کرد.

۴۲۵

از این جهت، پوشکین طبعاً دستاورد بیشتری داشت. با این حال، در حول و حوش کشته شدنش، در پاره‌ای از محافل حسود و خبیث سن پترزبورگ، پایتخت کشور، زمزمه می‌کردند که وی دیگر قدرت خلاقه‌اش را از دست داده است. این موضوع واقعیت نداشت، گرچه اگر او زنده می‌ماند، احتمالاً به نثر روی می‌کرد و دیگر شعر نمی‌گفت. همان‌طور که لرمانتوف بعد از او چنین کرد، پوشکین نیز به نثر روی آورده بود. البته، هر چند پاره‌ای از نوشته‌های پوشکین ممتاز محسوب می‌شد، او هنوز به خلق شاهکاری چون قهرمان عصر ما اثر لرمانتوف موفق نشده بود. احتمالاً هیچ‌وقت هم به چنین کاری موفق نمی‌شد. بخشهای آخرین نوول او (که ناتمام ماند)،

۱. Wordsworth، ویلیام (۱۷۷۰-۱۸۵۰)، شاعر انگلیسی که از نخستین پیشروان نهضت رمانتیسم به شمار می‌رود. منظومه صومعهٔ یتیم او، که حالت بیانیه شاعران رمانتیک را پیدا کرد، بسیار مشهور است.

۲. Coleridge، سمیونل تیلر (۱۷۷۲-۱۸۳۴)، شاعر و نویسنده و فیلسوف انگلیسی که از شخصیت‌های مهم نهضت رمانتیسم محسوب می‌شد.

۳. Lermontov، میخائیل بوریچ (۱۸۱۴-۱۸۴۱)، شاعر و رمان‌نویس روس که از پیشقراولان رمانتیسم در آن کشور بود. برای نخستین بار، با منظومه آتشین در مرگ یک شاعر، که به عنوان اعتراض به قتل پوشکین در دوئل سرود، مشهور شد (۱۸۳۷). قهرمان عصر ما (۱۸۴۰) از معروفترین داستانهای اوست.



آشفته و نابسامان است، در حالی که طرحی که لرماتوف با اعتماد به نفس کامل برای اثری بلندپروازانه تدوین کرده بود، احتمالاً به خلق شاهکاری همچون جنگ و صلح می‌انجامید. تنها چیزی که اکنون با اطمینان می‌توانیم بگوییم این است که آن دو نویسنده جوان هنوز قادر به نوشتن آثاری سترگ بودند و قاطعاً تصمیم داشتند که به نوشتن ادامه دهند. آن دو، برخلاف کیتس^۱ و شلی^۲، سودای مرگ نداشتند و بر این گمان نبودند که نقطه اوج کار هر نویسنده‌ای مرگ اوست.

۱. Keats، جان (۱۷۹۵-۱۸۲۱)، شاعر غنایی انگلیسی که نخستین دیوانش در ۱۸۱۷ انتشار یافت. از آثار دیگر او، راندیمیون (۱۸۱۸)، هیریون (به دو روایت، در ۱۸۱۸ و ۱۸۱۹)، و منظومه‌های معروف قصیده‌ای تقدیم به بلبل، قصیده‌ای تقدیم به اندوه، و قصیده‌ای تقدیم به پایز است.
۲. Shelley، پرسی بیش (۱۷۹۲-۱۸۲۲)، شاعر غنایی انگلیسی که با بایرن دوستی نزدیک داشت. از آثارش، منظومه حماسی طغیان اسلام (۱۸۱۸)، ترازوی چنچی (۱۸۱۹)، و نمایشنامه مشهور پرومتئوس بندگسته (۱۸۲۰) است. شلی مردی آرام‌انگرا و صاحب روحی سرکش بود و اشعار غنایی او را در تاریخ ادبیات انگلستان بی‌رقیب می‌دانند.

با این حال، لرماتتوف خود برانگیزنده نزاعی احمقانه بود که به کشته شدنش در صخره‌ای از کوهستانهای قفقاز منجر شد. اما پوشکین که از او سالمندتر و عاقل‌تر بود، قربانی آداب و رسوم حاکم بر محافل اشرافی روسیه شد. همسر زیبایش، ناتالیا، که پوشکین او را می‌پرستید، واقعاً بی‌وفا و خیانتکار نبود. ناتالیا فقط می‌خواست در محافل اشرافی بدرخشد و مورد ستایش باشد. وی که با عالم نویسندگی پوشکین سروکاری نداشت، در عین حال، به او وابسته و متکی بود؛ ناتالیا حتی دلش می‌خواست که همسری خوب و برازنده و خانه‌دار باشد. اما، پوشکین، آرامش و آسایشی می‌خواست که به او مجال کار و نوشتن بدهد؛ آرامش و آسایشی که به نوشته خودش چیزی بود که «هرگز نصیبم نشد». او از محافل اشرافی و مجالس رقص و سرور دربار نیکولا متنفر بود - هر چند که بناچار با این محافل رفت‌وآمد داشت.

در همان زمان بود که سر و کله ژرژ دانتس^۱ پیدا شد: مهاجری فرانسوی و خوش‌قیافه و برازنده که در ۱۸۳۴ بنا به توصیه بارون هیکه رن^۲، سفیر هلند در روسیه، در گارد ویژه تزار استخدام شد؛ دانتس پسرخوانده بارون بود.

ناتالیای پوشکین زیباترین زن و چشم و چراغ محافل اشرافی بود که اکنون پای دانتس به آنها باز می‌شد. پس طبیعی بود که دانتس ادب کند و به دیدار او برود. اما بین آنها ماجرای جریان نداشت. روابط آنها، در آغاز، حتی موجب سرگرمی و مشغولیات پوشکین بود. ناتالیا راز دلش را برای پوشکین باز می‌گفت. او شیفته سروان نبود، اما زن بود و دلش نمی‌خواست که آن افسر برازنده از وی غافل شود. وقتی دانتس از خواهر ناتالیا خواستگاری کرد، ناتالیا برای پوشکین درد دل کرد و از او اطمینان خواست که دانتس فقط وقتی از او ناامید شده به ازدواج با خواهر وی اقدام کرده است.

ماجرا، تا این‌جا، حالتی کم و بیش کمدی داشت. اما امان از شایعات و وراجی‌ها. همین پیچ‌ها و پوزخندهای پنهان و آشکار سرانجام پوشکین را وادار کرد تا نامه‌ای توهین‌آمیز و تحریک‌کننده برای دانتس بنویسد. نتیجه احتمالاً از همان آغاز معلوم بود: دوئل؛ نبردی که آن افسر تیرانداز ماهر بخت قطعی پیروزی در آن را داشت. دانتس نخست شلیک کرد و پوشکین زخم مهلکی برداشت که دو روز بعد به مرگش منجر شد. تزار نیکولا برای پوشکین در بستر مرگ نامه‌ای نوشت و او را «بخشید». بدهیهای سنگین پوشکین پرداخته شد، برای آموزش فرزندان او ترتیبات کافی منظور گردید، و برای بیوه او مقرری معین شد. پیامدهای وضع به خوبی سامان یافت؛ اما روسیه بزرگترین شاعرش را از دست داد.

1- Georges D'Anthes

2- Baron Heeckeren

دائنه به مرگ محکوم شد، اما بعد در مجازاتش تخفیف دادند و او را با کاهش درجه برای تمام عمر به یکی از نواحی دور افتاده تبعید کردند. او از آنجا گریخت و بالاخره با همسرش به فرانسه بازگشت. دائنه هرگز از آنچه کرده بود ابراز پشیمانی نکرد. چطور می توانست چنین کند؟ بنا به «اصول» رایج در آن محافل «اصیل»، او کاری کرده بود که از هر جتلمنی جز آن انتظار نمی رفت. حتی اگر تیرش را به هوا شلیک کرده بود، پوشکین - که خود نیز تیرانداز قابلی بود - قطعاً چنین نمی کرد. در آن لحظات، نفرت او از دائنه حد و مرزی نمی شناخت.

دائنه، به اتفاق همسرش، خواهرزن پوشکین، کار راه‌های بس موفقیت آمیز در فرانسه پیدا کرد و سرانجام سناتور شد. پروسپه مریمه^۱، نخستین مترجم فرانسوی پاره‌ای از داستانهای پوشکین، قاتل پوشکین را چنین توصیف می کند: «سخنرانی فوق العاده؛ با ظاهری چون ورزشکاران، و لهجه‌ای آلمانی؛ مکار و هوشیار».

دائنه عادت داشت بگوید که همه چیزش را مدیون آن دوئل «میمون» است. بدون آن ماجرا، او هرگز صاحب آن وضعیت سیاسی ممتاز نمی شد و احتمالاً تا آخر عمر مجبور بود با خانواده‌ای گسترده در یکی از نواحی پرت روسیه با حقوق افسری گذران کند.